

فرهنگ، رسانه و فضای مجازی / ۱۳

الگوی حکمرانی دوفضایی

تألیف

دکتر سیدسعیدرضا عاملی

استاد گروه ارتباطات - دانشکده ارتباطات - دانشگاه تهران



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۷

سرشناسه	عاملی، سیدسعیدرضا، ۱۳۴-X
عنوان و نام پدیدآور	الگوی حکمرانی دوقضایی / تألیف سیدسعیدرضا عاملی.
مشخصات نشر	تهران : امیرکبیر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۸۴ ص.: مصور (رنگی)، نمودار.
فروست	فرهنگ، رسانه و فضای مجازی؛ ۱۳.
شابک	978-964-00-1925-2
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	: کتابنامه:ص، [۱۷۱] - ۱۸۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	فضای مجازی — سیاست دولت
موضوع	Cyberspace -- Government policy :
موضوع	فضای مجازی — ایران — سیاست دولت
موضوع	Cyberspace -- Iran -- United States :
رده بندی کنگره	۱۳۹۶/۸۵۱Hع/۷ الف ۱۳۹۶
رده بندی دیویی	۳۰۲، ۱۱۲
شماره کتابشناسی	۵۰.۲۷۲۱



مؤسسة انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱

الگوی حکمرانی دوفضایی

© حق چاپ: ۱۳۹۷، مؤسسه انتشارات امیرکبیر

نوبت چاپ: اول

مؤلف: دکتر سید سعید رضا عاملی

طراح جلد: پریسا رسولی

حروف متن: میترا ۱۴

چاپ و صحافی: چاپ روز

شمارگان: ۵۰۰

بہا: ۱۵۰۰۰ ریال

تلفن مرکز فروش: ۰۲۱-۶۱۲۸۰۰۰۰

فروش اینترنتی: www.amirkabir.net

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و باز نویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستند نویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست رئوس مطالب

۷	فهرست تفصیلی مطالب
۱۱	فهرست شکل‌ها
۱۳	فهرست جداول
۱۵	قدردانی
۱۷	مقدمه
۲۳	فصل اول: الگوهای بین‌المللی حکمرانی فضای مجازی
۶۷	فصل دوم: الگوی کلان حکمرانی فضای مجازی مبتنی بر تریاجات معرفتی و
۸۵	فصل سوم: الگوی میانی حکمرانی فضای مجازی رویکردهای
۱۳۳	نتیجه‌گیری: پیشنهاد الگوی حکمرانی دوفضایی یکپارچه هوشمند
۱۶۵	واژه‌نامه
۱۷۱	کتابنامه
۱۸۵	نمایه

مقدمه

کتاب پیش رو در راستای ارائه رویکردی جامع‌نگر به حکمرانی فضای مجازی و معرفی نگاهی تکمیل‌گرایانه به مبانی فلسفی معرفتی و پارادایمی الگوی مطلوب سیاست‌گذاری و حکمرانی فضای مجازی، به تبیین ترجیح‌ها، الگوی مطلوب کلان و مبانی حکمرانی فضای مجازی با نگاه دوفضایی‌شدن‌ها در مقایسه با دیگر الگوهای سیاست‌گذاری و حکمرانی می‌پردازد.

الگوی مطلوب حکمرانی در فضای مجازی چیست؟ شاید بتوان انگیزه اصلی در انجام پژوهشی که به تألیف این کتاب منتهی شد را پاسخ‌گویی به این سؤال و سوالات وابسته به آن از جمله این پرسش دانست که الگوی مطلوب سیاست‌گذاری در فضای مجازی چیست؟ این الگوی مطلوب چه ترجیحاتی نسبت به سایر الگوهای سیاست‌گذاری دارد؟ و دلیل تأکید بر این الگو در مقایسه با دیگر الگوها چیست؟ همچنین تفکیک میان الگوهای کلان و الگوی میانی سیاست‌گذاری در فضای مجازی چگونه است؟ این‌ها جملگی مواردی هستند که ضرورت پژوهش و تألیف کتاب را ایجاب کردند.

نگاهی به مفردات الگوی حکمرانی فضای مجازی

الگو معادل فارسی واژه مدل است که در فرهنگ‌های لغت لاتین به معانی گوناگون به کار رفته است. در فرهنگ لغت آکسفورد (۲۰۱۴) معنای نخست این واژه، «بازنمایی سه‌بعدی شخص یا شیء یا سازه‌ای پیشنهادی در اندازه‌ای کوچک‌تر از اندازه اصلی» است. معنای دیگر الگو در فرهنگ لغت آکسفورد، «استفاده از چیزی به‌عنوان نمونه برای تقلید یا دنبال کردن». در

این فرهنگ لغت، معانی دیگری نیز برای الگو ارائه شده است که عبارتند از «توصیفی ساده به خصوص به صورت ریاضی از یک نظام، سامانه یا فرایند برای کمک به محاسبات و پیش‌بینی‌ها»، «شخصی که برای نمایش لباس با پوشیدن آن‌ها» و «نوع خاصی از طراحی یا نسخه خاصی از محصول».

واژه الگو در فرهنگ آنلاین معین^۱ به معنای «نمونه و طرح» و در فرهنگ آنلاین دهخدا^۲ به معنای «روبر، سرمشق، مقتدی، اسوه، قدوه، مثال و نمونه» در نظر گرفته شده است. نظام فنی - اجرایی نیز چنین تعریفی از الگو داده است: «الف) شکل یا نمونه ساخته شده که به عنوان الگو برای ساختن اشیای مختلف در نظر گرفته می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ب) نمونه الگوهای مشخص شده برای مصارف مختلف» (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۸۳: ۳۱۳).

تقریباً هر نظریه‌ای دارای الگو شروع می‌شود که حوادث و روابط قابل فهم در یک دنیای واقعی را نشان می‌دهند. ویسکوف^۳ در رزنام^۴ (به نقل از گرینر، ۱۳۸۷: ۲۱۵) مطرح می‌کنند که «هر الگویی که ما می‌سازیم، تلاش است برای اینکه به طبقه‌ای از نتایج تجربی معنی بدهیم... بنابراین الگوهای مختلف ما مانع‌الجماع نیستند... این الگوها اغلب می‌توانند برای ایجاد درک کامل‌تری با یکدیگر ترکیب شوند». بنابراین ساخت و ترکیب الگو «تلاشی است برای مشاهده فرایندها و مطالعات پیچیده و اغلب گسسته در یک چارچوب جمع‌کننده که رویکردی برای تحقیقات بعدی پیشنهاد می‌کند و این امر امکان می‌دهد که به یک رویداد و یک حوزه مطالعه و بحث در باب روابط، فرایندها و معانی ضمنی آن در آن فضا راه می‌سازد». الگو و الگوسازی مفهومی است میان‌رشته‌ای که در رشته‌های مختلف کاربرد دارد و سال‌های اخیر به عنوان «پارادایم محاسباتی آینده» مورد توجه قرار گرفته است. الگو توسعه صحیحی از سیستم در زمینه‌ای از یک چارچوب تجربی فراهم می‌کند (ونگلو، ۲۰۰۱: ۱).

در واقع یک الگو «بازنمایی خلاصه^۵ از یک سیستم» است. چنین تجریدی کمک می‌کند

1. <http://www.vajehyab.com/mocin/>

2. <http://www.vajehyab.com/>

3. Weiskopf

4. Rosenbaum

5. Vangheluwe

6. Abstract

تا جنبه‌های کم‌اهمیت یک سیستم را کنار بگذاریم و بر بخش‌های خاص موردنظر متمرکز شویم. به عبارت دیگر، خلاصه‌سازی به ما کمک می‌کند تا پدیده‌های بیشتر و سیستم‌هایی را به شیوه‌ای یکپارچه مطالعه کنیم، درحالی‌که آن‌ها ممکن است در ابتدا کاملاً مشکل به نظر برسند (قلی‌زاده و عبداللهی ازگمی، ۲۰۱۰: ۸۷).

الگوسازی نیز به عنوان یک پارادایم «روشی برای بازنمایی مشکلات و تفکرات در مورد این مسائل در کنار توجه به روش حل مسئله است» (ونگلو، ۲۰۰۱: ۱). تجزیه، تحلیل و یا طراحی، نوع سیستم به صورت اعم، مبتنی بر نوعی «الگوسازی» است. از این رو «درک مفاهیم اساسی الگوسازی می‌تواند در تجزیه و تحلیل و طراحی یک سیستم اثربخش باشد». برای الگوسازی روش‌های مختلف وجود دارد که در تمامی آن‌ها دو جنبه اصلی یعنی «ایجاد الگو» و «ارزایی» از اهمیت برخوردار است (قراخانی‌بهار، ۱۳۸۷: ۴).

الگو می‌تواند در انواع مختلفی باشد: «الگوی فیزیکی» به عنوان «وسیله یا فرایندی واقعی است که به اندازه کافی شباهت به پدیده یا شیء موردنظر عمل می‌کند». «الگوی مفهومی» که «تشبیه کردن یک شیء ناشناخته با چیزی شناخته شده دیگری به منظور شناسایی شیء ناشناخته است». «الگوی ریاضی» شامل یافتن رابطه‌ای ریاضی است که رفتار آن شبیه شیء موردنظر برای الگوسازی است (قراخانی‌بهار، ۱۳۸۷: ۱).

در دسته‌بندی دیگری، الگوسازی می‌تواند بر اساس نوع کلامی و مصور صورت گیرد. در الگوسازی کلامی، الگوی خوب «توضیح موجزی است که رویداد را توصیف می‌کند و در عین حال بخش‌ها یا جنبه‌های اصلی آن را مشخص می‌کند». این الگو مبتنی بر «رویکرد نظری آگاهانه در مورد رویدادی است که توصیف می‌کند» و شامل «شناسایی کلمه به کلمه یا عبارت به عبارت جنبه‌هایی از رویداد است که در حقیقت نقاط تمرکز، غدغه و بررسی بوده‌اند». اما مزیت الگوی مصور یا نموداری آن است که «می‌تواند موقعیت‌ها، مسیرها و روابط را به صورت مصور نشان دهد». در واقع به محض اینکه الگو درک شود، می‌تواند به منظور «توصیف بصری رویدادها و مفاهیم مرکب» به کار رود. همچنین یک الگوی مصور می‌تواند در تلاش برای تبیین هرچه واضح‌تر مفاهیمی که با کلمات توضیح داده شده‌اند، بر «بی‌نظمی» بیفزاید. بنابراین «استفاده از دو الگو به صورت مشترک» و «تصور آن‌ها به عنوان دو بازنمایی از الگوی پایه مشابه که هریک چیزهای مشخصی را شرح می‌دهد که به سادگی توسط دیگری توصیف نشده‌اند»، پیشنهاد شده است (گرینر، ۱۳۸۷: ۲۱۵ تا ۲۱۷).

از آنجاکه الگو به عنوان «وسیله‌ای برای انتقال دانسته‌ها و به شراکت گذاشتن آن بین

مجموعه‌ای از افراد است»، بنابراین باید هم به‌وسیله «سازندگان آن و هم به‌وسیله همکاران و یا مخاطبان آنان» در بحث‌ها و تبادل نظرهای قابل‌درک باشد. مسئله مهمی که در درک الگو باید مورد توجه باشد، این است که همه گیرندگان مفاهیم منعکس شده در الگو باید به درک یکسانی از موضوع مورد بحث برسند. موضوع دیگر این است که «حتی اشیای پیچیده نیز باید به‌صورت ساده و قابل فهم نموده شوند تا الگو بتواند نقش خود را که همان ساده کردن پیچیدگی‌ها و انتقال این سادگی به سایرین است»، ایفا نماید (قراخانی‌بهار، ۱۳۸۷: ۵).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های الگو، «داشتن موضوع اصلی مرکزی» است. «رعایت حضور رسمی اصلی در الگو باعث می‌شود که بتوان برای آن محدوده^۲ تعیین کرد و به کمک آن مواردی را که در داخل و یا خارج از این محدوده قرار می‌گیرند، مشخص نمود». همچنین علائق که در ساختن الگوها قابل استفاده هستند در انواع مختلفی ظاهر می‌شود (قراخانی‌بهار، ۱۳۸۷: ۱۶).

– «شمایل^۳: نمایش، تمثیل، به‌صورت تصویری از آن‌ها؛

– شاخص^۴: نمایش غیر مستقیم، به‌صورت تصویری که دارای نوعی رابطه با شیء موردنظر باشد؛

– سمبل^۵: نمایش اختیاری اشیاء، به‌صورت تصویری که دارای نوعی مفهوم توافق شده قبلی در رابطه با شیء موردنظر باشد».

در الگوسازی توجه هم‌زمان به «کل و جزء» شیء مورد نظر از اهمیت برخوردار است. بر این اساس نخستین گام برای الگوسازی، «تجريد سازی» واقعیت، تعیین موضوع اصلی الگو و مشخص کردن حوزه آن است. هم‌زمان با «تعیین اجرای اصلی» به‌عنوان جزء یا مؤلفه‌های^۶ اساسی آن، باید نسبت به «تعیین تعلق یا عدم تعلق آن‌ها به حوزه الگو» اقدام نمود. تجريد واقعیت به این اجزای اصلی درواقع «تصویر بزرگ^۷» آن را که در نظر ماست، مشخص می‌کند. مرحله بعدی در الگوسازی، «شناسایی عناصر^۸ تشکیل‌دهنده هر مؤلفه

1. Theme

2. Boundary

3. Icons

4. Index

5. Symbol

6. Component

7. Big picture

8. Element

الگو» است. تعیین عناصر تشکیل دهنده مؤلفه‌ها و به تبع آن کل الگو باعث «مشخص شدن حوزه^۱ یا حوزه‌های مورد توجه در الگو» می‌شود. این کار منجر می‌شود تا بتوان عناصری را مشخص نمود که با این کار روابط میان آن‌ها نیز روشن می‌شود. مرحله بعدی «شناسایی روابط بین عناصر» است (قراخانی‌بهار، ۱۳۸۷: ۶).

به‌طور گذرا، تعریف‌های موجز ارائه شده برای الگو را می‌توان این‌گونه فهرست کرد: جوزبرکند و دیگران (۲۰۱۱) به پنج رابطه دولت با شرکت، دولت با شهروند، شهروند با دولت، دولت با دولت و دولت با کارمندان اشاره می‌کند.

— ال‌شری و درو (۲۰۱۰) از چهار کارکرد دولت به شهروند، دولت به شرکت، دولت به دولت و دولت به کارمندان نام می‌برد.

— سرپولکر و دیگران (۲۰۰۸) به مدل‌های دولت به شهروندان یا مشتریان، دولت به شرکت و دولت به دولت اشاره دارد.

— ویلیکینسون (۲۰۰۷) از چهار حوزه فعالیت دولت با شهروند، دولت با شرکت، دولت با دولت و درون دولت یاد می‌کند.

— سیفرت (۲۰۰۳) سه بخش سبیز از فعالیت‌ها و کنشگران دولت را شامل دولت به دولت، دولت به شرکت و دولت به شهروندان، رمی‌شمارد.

— کنعان (۲۰۰۹) از سه طبقه دولت با شهروند، دولت با دولت، دولت با شرکت و دولت با کارمندان نام می‌برد.

— آموس (۲۰۱۱) سه مدل ارائه خدمات دولت الکترونیک را شامل دولت به دولت، دولت به شهروند و دولت به شرکت می‌داند. در دولت همه «بیران چهار مدل مطرح است: دولت همراه به شهروند؛ دولت همراه به دولت؛ دولت همراه به شرکت؛ و دولت به کارمندان.

اما الگوی مفهومی چیست؟ لغت‌نامه تجارت^۲، الگوی مفهومی را چنین تعریف می‌کند «الگوی توصیفی نظامی که مبتنی بر فرضیات کیفی درباره عناصر، روابط و حدود آن نظام است». رایبسون (۲۰۰۴، ص. ۶۵) در تعریف توصیفی از الگوی مفهومی می‌آورد که «الگوی مفهومی توصیفی ویژه و غیرنرم‌افزاری از الگوی شبیه‌سازی است که درحال توسعه، توصیف اهداف، درونداها و برونداها، محتواها، فرضیات، ساده‌سازی‌های الگو است».

1. Domain

2. <http://www.businessdictionary.com/definition/conceptual-model.html>

ضرورت رویکرد جامع‌نگر به حکمرانی و سیاست‌گذاری فضای مجازی

حکمرانی و مدیریت و سیاست‌گذاری در فضای مجازی که فضایی ناپایدار و متغیر است و از سویی دیگر عناصر و متغیرهای متعدد و متنوعی در آن و بر آن تأثیر دارند نیازمند جامع‌نگری و توجه به همه ابعاد و مسائل و وجوه گوناگونی است که یا تأثیرگذارند و یا تأثیر می‌پذیرند.

رویکرد جامع‌نگر چه رویکردی است؟ رویکرد جامع‌نگر، رویکردی است که به همه ابعاد و زوایای موضوع موردبحث چه از لحاظ ساختاری، چه از نظر شکلی و فرمی و چه از نگاه محتوایی توجه داشته باشد. چنین رویکردی همه ابعاد و متغیرهای موجود در هر وجه را مورد توجه قرار می‌دهد و ارتباطات میان این متغیرها و ابعاد را بیان می‌کند.

فضای مجازی، فضای زندگی است، به این معنا که ابعاد و وجوه متعدد و متنوعی در آن دخیل هستند. متغیرها، عناصر مختلفی در وجوه و ابعاد گوناگون ساختاری، مدیریتی، محتوایی فضای مجازی دخیل هستند که نیازمند توجه به همه آن‌ها در الگوسازی هستیم. از سوی دیگر از آنجاکه فضای مجازی، فضای زندگی است تأثیر متغیرهای بومی و محلی در الگوسازی برای حکمرانی فضای مجازی، بسیار تعیین‌کننده است.

از این‌رو جامع‌نگری در الگوسازی برای حکمرانی فضای مجازی نه تنها معطوف به خود فضای مجازی می‌شود، بلکه معطوف به ساختار و بستر عملیاتی آن نیز است. بنابراین در تدوین الگوی حکمرانی فضای مجازی برای جمهوری اسلامی ایران باید علاوه بر توجه به ساختار، فرم و محتوای فضای مجازی به بست‌های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و رویکردهای بومی و محلی نیز توجه شود. الگوی کلان‌مدارانی فضای مجازی برای جمهوری اسلامی ایران با توجه به این مؤلفه‌ها، الگوی حکمرانی برای فضای مجازی خواهد شد.

بر این اساس، در فصل اول، به الگوهای بین‌المللی و جهانی حکمرانی و سیاست‌گذاری فضای مجازی پرداخته می‌شود. سپس در فصل دوم، الگوی کلان‌حکمرانی فضای مجازی مبتنی بر پارادایم دوفضایی شدن موردبحث قرار می‌گیرد تا از این رهگذر ترجیحات معرفتی و نظری این الگوی حکمرانی بر الگوهای مطرح‌شده در فصل اول بیان شوند. و در واقع نقاط قوت الگوی مطلوب کلان حکمرانی دو فضایی یکپارچه نسبت به الگوی حکمرانی فصل اول تبیین می‌شود. در ادامه در فصل سوم، الگوی میانی و ابعاد عملیاتی الگوی دوفضایی یکپارچه هوشمند تشریح و چهار رویکرد ساختاری، ظرفیتی، دامن‌ای و عملکردی آن تعریف مفهومی می‌شود و در نهایت در نتیجه‌گیری برون‌داد حاصل از مباحث مطرح شده، در قالب پیشنهاد الگوی حکمرانی دوفضایی یکپارچه هوشمند ارائه می‌شود.